

بگذار مردگان سرگرم دفن

مرده های خویش باشند

فواد عبداللهی

فرخ نگهدار در مطلبی تحت عنوان "امروز انقلاب بهمن ۳۵ ساله شد" روی سخنش را به نسل بعد از این انقلاب کرد و تجارب "گرانها"یش را در اختیار ما گذاشت. فرموده اند که: "نسل ما، چه مذهبی ها و چه چپ ها، بی هیچ گفتگو، با تمام وجود در راه سرنگونی رژیم شاه فعالیت کرد ... همه به غلط به این نتیجه رسیدند که رفتار آنها نمی تواند بر رفتار حکومت تاثیر بگذارد... راه اصلاح وضعیت، راه گشایش فضای سیاسی، راه غلبه بر شکاف عمیق میان دولت-ملت از آنجا بسته ماند که هیچ کس، نه در حکومت و نه در میان مخالفان برای ریختن ترس حکومت از مخالفان و ترس مخالفان از حکومت تلاش نکرد؛ هیچ کس برای گشودن باب گفتگو میان حکومت و مخالفان، و میان مخالفان با یک دیگر، تلاش نکرد... راه اصلاح وضعیت و توسعه سیاسی از آنجا بسته شد که هم حکومت و هم مخالفان "طرف مقابل" را "شر مطلق" و خود را "خیر مطلق" یا "تنها راه حل" تصور کرده و تمام مسئولیت فجایی که کشور با آن روبروست را بر دوش "طرف مقابل" دیدند..."

و در ادامه نتیجه میگیرد که "اکنون - پس از انتخاب آقای روحانی امید به تغییر و گشایش، امید به تغییر در مناسبات حکومت با مردم و به تغییر مناسبات ایران با جهان، در پس ذهن بسیاری از شهروندان ما از نو سوسو میزند. در پیدایش و تقویت این امید، و نیز در کشتن و نابودی آن، تنها حکومت نیست که مسوول است. همه مولفه های سیاسی نقش دارند. در آنچه رخ می دهد همه مسوولند؛ اما هر طرف به سهم

←

جنبش برابری زن و مرد چشم به پیروزی دوخته است!

صفحه ۳



دختره نسیم آزادی از اعماق جامعه است

مظفر محمدی

به دختر تو خیابونای تهران با موهای رنگ کرده و بلوند و جمع کرده بالای سر بدون روسری و بدن مانتو، با تی شیرت آستین کوتاه سرشو بالا گرفته و را میره. خیلی ها باور نمی کنن. اینجا تهران؟

آره، درسته تهرانه. همین دیروز و یکی از خیابان های تهران. خیلی ها شاید فکر کنند که طفلکی دیوانه شده و به سیم آخر زده. اما نه، دیوانه نیست و به سیم آخر هم نزده. جوانکی که همین فکرو کرده بهش میگه شیشه (مواد مخدر) زدی؟ دختره با لبخندی و خونسرد جواب میده، نه عزیزم شیشه ای در کار نیست...

او با کیف دستی کوچک و شلوار جین اش به راه ادامه میده. او از نگاه متعجبانه ی عابرین ناراحت و عصبانی هم نیست. حتی جواب کسی که احمقانه اسم و آدرسش را می پرسه هم میده و باز هم لبخندی. او به حماقت نگاه های مشکوک و ناباور و سوالات ابلهانه ای که ازش میشه، می خنده.

او در جمهوری اسلامی بزرگ شده، ۲۳ سالشه. او فکر همه چی رو کرده. و عواقب کارش رو میدونه، اما میخواد راهشو ادامه بده. او تصمیم گرفته آزادیش را خودش و با اراده خودش داشته باشه. حتی اگر برای عبوری از یه خیابون باشه.

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید

و دولت و زندان مثل سگ محتاج است. این وظیفه شماست که از قطر کیف پول سرمایه به مسله نگاه کنید. اما لطفاً از ما نخواهید که دست نگره داریم؛ از ما نخواهید که بقای شما و نظم شما، بقای لجنزار متعفن سرمایه در جوار "دولت اعتدال" تان را ضامن شویم.

نسل ما، نسل امروز کارگران و کمونیست های ایران نقبی به کاپیتال مارکس و جنبش اجتماعی طبقه کارگر صنعتی جهان امروز زده است. این نسل و انقلاب آتی آن را نمی توان شکست داد. نسل ما کوچکترین بدهکاری به نتایج تاریخ جهاد شما ندارد. سر بر آوردن دوباره کارگر و کمونیسم و انقلابیگری دیگر نه رگه ای در طیف عمومی جنبش ملی - اسلامی بلکه بر شانه های مارکس استوار است. شما با بورژوازی، با مترنخ ها و گیزوهای سرزمین کار ارزان ایران، حشر و نشر تان را بکنید. کار جارو کردن لجن سرمایه را به ما بسپارید.

انقلابیگری بنشینند؟! مسخره نیست نمایندگان فکری دسته چندم سرمایه داری کشوری که هنوز هم اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگران به رسمیت نمی شناسد، به نصیحت نسل امروز در رابطه با انقلاب ۵۷ ایران بنشینند؟! برای نسلی که از فروش نیروی کارش زنده است، برای کسی که میداند ضد انقلاب یک پروکاتور را فرستاده که احتمالاً در کارخانه و محله و دانشگاه شلوغ کند و شناسایی کند؛ تاریخ توده ای - اکثریتی که نیازی به توضیح ندارد. حقیقت اینست که سرگذشت عروج و افول طیف شما، شوق و ذوق و ضعف روحی تان چیزی نیست جز شانه به شانه رژه رفتن در رکاب کثافات نظم سرمایه داری دیروز و امروز ایران؛ جست و خیز و "همایش" های جنبش مخالفین "مشی بر اندازی" شما را، باید بر متن این واقعیت دید. پز "لیبرال - دموکرات" امروزتان، قیافه "ضد خشونت" تان، ژست "اعتدال" تان آینه تمام قد پیوندهای مشترک روانی، تاریخی و فرهنگی شما با دولتی است که دیروز انقلاب ۵۷ را بخون کشید و امروز بنام "گشایش سیاسی" بر عرق جبین کارگر و زحمتکش جامعه ایران ارتزاق می کند.

شما انتخاب کردید که چپیه بدوش همراه خرده بورژوازی، در صف ضد انقلاب، اعتلای انقلابی سال ۵۷ را به زور سر نیزه فرو نشانید و امروز پایپون "گفتمان" را دور گردن ببیچید! نگاه کن؛ به زندان ها، به اعدام ها، به تحقیرها و خودسوزی ها، به تمایلات فروکوفته، به دستمزدهای پرداخت نشده؛ به صف میلیونی بیکاران، به خانواده های کارگری، به مشقات و محرومیت ها و بیحقوقی مطلق سیاسی میلیون ها کارگر و زحمتکش نسل ما؛ در نهایت امر، آنچه را جمهوری اسلامی در مواجهه با کارگران و جبهه برابری طلبی و آزادیخواهی با نهایت قساوت اجرا می کند شما به شکل تعدیل شده خواهان اجرای آنید. برای ما فرصت دخالت و اعمال اراده بر سرنوشتان، نه با سازش و لاس زدن و خودفریبی در کریدورهای جمهوری اسلامی بلکه با قیام و در هم شکستن دولت بورژوازی امکان پذیر است. این درسی است که نسل ما از شکست انقلاب ۵۷ یاد گرفته است. شما مشغول آلترناتیو دادن به بورژواها بمانید؛ حق دارید نگران وضعیت سیاسی و اقتصادی سرمایه داری که جمهوری اسلامی سمبل و چکیده آن است باشید. طبقه تان به ثبات اقتصادی، قابلیت سرکوب، ارتش

خویش و همیشه آنان که قدرت مندترند سهم بیشتری دارند. و برای این که این امید کشته نشود، گفتگوی میان حکومتیان و ناراضیان، برای ریختن ترس آنها از یک دیگر، برای شناخت بهتر مشکلاتی که بر سر راه تغییر هست، شایسته ترین تدبیر است. (خط تاکیدیها از من است)

خب! مرسی از هشدار آقای نگهدار. انصافاً ایشان نشان داده خیلی اهل "گفتگو" است. از ایشان یک جمله به یادگار مانده است: "ما هیچ نبودیم؛ آیت الله خمینی واقعا امام بود." و از بدشمنی، شعار "پاسداران باید به سلاح های سنگین مسلح شوند" هنوز بر درب نشریه کار ۹۴ سازمان وقت ایشان آویزان است. تا اینجا معلوم شد طرف گفتگو و داد و ستد سیاسی ایشان کیست. فکر کنید تاریخ را بخواهند امثال ایشان روایت کنند. سینه چاکان دیروزی جنبش ملی - اسلامی؛ دکانداران وامانده آرمان بورژوازی صنعتی؛ جنبش بقالان سرکوب شده و راضی به رضای ارتجاع و سنت ایام های سپری شده؛ امروز با نقش و نگار حضرات لیبرال تزئین شده اند. نسلی که هنوز هم در نهایت گستاخی، کل آرمانخواهی اش را به مقدرات یکی از جنایتکارترین رژیم های تاریخ معاصر گره زده که زمانی مرعوب و مقهور آن بود. ببخود نیست که اینها پسقراولان امروزی دولت فخمیه "اعتدال" در سیستم بردگی مزدی تحت جمهوری اسلامی اند. ببخود نیست کسی که خمینی و "مذهبی ها" را در صف "انقلاب" خود علیه بساط سلطنت می بیند و به انقلابیون اصیل ۵۷ می پرد تا انقلابیگری را چوب حراج زند و درس "هنر گفتگو" و اعتدال به نسل ما "بیاموزد"، سر در آخور اهداف دو خرداد، جنبش سبز و دولت اعتدال و سودآوری هر چه بیشتر سرمایه در ایران دارد. طبقه کارگر ایران در یکی از بدترین شرایط جهانی به مصاف با بورژوازی برخاسته بود. دهه هشتاد دهه گردنه بگیری ریگانیسم و تاجریسم بود. دهه سرکوب کارگران در تمام جهان، و از جمله در انگلستان و در آمریکا بود. دهه در هم شکستن و حمله به اتحادیه های کارگری بود. دهه سرکوب معدنچیان انگلیس و کارگران کانریلار آمریکا بود. دهه ای بود که هیچ یک از مدعیان امروزمین دموکراسی و آزادی، لام تا کام کلمه ای هم در دفاع از نسل به خاک افتاده کمونیستها و سوسیالیستها و در حمایت از شوراهای کارگری در ایران بر زبان نیاورد. براستی چوک نیست امثال نگهدار، این موجب بگیریان هارترین فراکسیون سرمایه داری در ایران به محاکمه و مواخذه

رادپوینا
Radio Neena

رادپوینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹
شب به وقت تهران از طریق ماهواره
هاتبرد پخش میشود.

رادپوینا را گوش دهید و آنرا به دوستان
و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A
13°
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130

آزادی برابری حکومت کارگری

جنبش برابری زن و مرد چشم به پیروزی دوخته است!

جداگانه خود را می رود. مبارزه بی امان، بی سازش و برابری طلبی بی اما و اگر زنان، چشم به ایجاد جامعه ای برابر و انسانی و بدون ستم و استثمار و تبعیض جنسی دوخته است.

در مبارزات برابری طلبانه و رهایی بخش زنان و جوانان این واقعیت غیر قابل انکار است که، رهایی زن تنها به رهایی طبقه کارگر از ستم و استثمار و بیکاری و بی حقوقی و بردگی مزدی گره خورده است. آزادی و برابری انسانها در همه حقوق اقتصادی و اجتماعی و انسانی، امر طبقه کارگر و جنبه آزادیخواهی و برابری طلبی است. سرنوشت مرد و زن کارگر از هم جدا نیست و برابری همه زنان و مردان در جامعه را تنها طبقه کارگر میتواند به همه شهروندان تقدیم کند، نه صف بورژواهای استثمار گر و مفت خور، معمم یا مکلا!

اگر در کشورهای پیشرفته غربی شاهد مهار نسبی خشونت نسبت به زنان هستیم، این پیشروی نه حاصل خیرات و دلسوزی دولت های سرمایه داری است و نه محصول سازش با دولت و اصلاح گام به گام! این دستاوردها، محصول یک عمر جدال جنبش های مترقی و سوسیالیستی است. محصول یک دوره فشرده از فریاد زدن، متشکل کردن، سازمان دادن اعتصابات توده ای، تشکیل احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری است، اتحادیه هایی که در آنها به زور این جنبش ها بروی زنان گشوده شد.

رفع ستم، استثمار، تبعیض، آپارتاید جنسی و نابرابری در ایران، در گرو به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و در پیوستگی و همبستگی با جنبش کمونیستی طبقه کارگر، و با افق برقراری یک حکومت سوسیالیستی امکان پذیر است. برای رسیدن به این هدف، طبقه کارگر و جنبش برابری زن و مرد هر دستاورد ولو کوچک در لگام زدن به آپارتاید جنسی و قوانین مذهبی و مردسالارانه را پاس می دارد.

گرامی باد دستاوردهای هشت مارس

زنده باد جنبش برابری زن و مرد

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اسفند ماه ۹۲ (مارس ۲۰۱۴)

این ترندهای زبانه وریاکارانه نتوانسته و نمی تواند مبارزه طبقاتی کارگران و جنبش برابری طلبی زنان را مهار بزند. جمهوری اسلامی نمی تواند آتش خشم توده های میلیونی زنان و مردان علیه آپارتاید جنسی و تحمیل فقر و فلاکت به جامعه را فرو نشاند.

جنبش برابری طلبی زن و مرد، به وسعت جامعه بین المللی ادامه دارد. یکی از مقاطع برجسته آن در سالهای اخیر بروز این جنبش در هندوستان است که در آن زنان و دختران برای جلوگیری از تجاوز گروهی به زنان، "بریگاد سرخ" را سازمان داده اند. این هم شکلی از اشکال مبارزه است که باید از آن درس گرفت. درس سازمان دادن و متشکل شدن زنان و همه کسانی که از ستم برزن رنج میبرند، درس به میدان آمدن نیرویی که خود اراده کرده و می کند که از آزادی و برابری و حرمت انسانیش در مقابل سرکوب و تجاوز و تحقیر و آپارتاید جنسی سیستماتیک، دفاع کند.

زنان و دختران جوان نمی توانند دست روی دست بگذارند و منتظر شوند تا اسلاميون و قوانین شریعت جمهوری اسلامی و یا موعظه "مصلحین اجتماعی" سرنوشتشان را رقم بزنند. نمی توانند منتظر باشند تا حکام جنایتکار جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند، زن چه زمانی بچه دار شود یا نشود، حجابش چگونه باشد، بلندی و کوتاهی لباسش چقدر باشد، چه رنگی بپوشد و چه رنگی نپوشد، با کی معاشرت بکند، چگونه رفتار نکند، و بالاخره تا کی شهروند بی تاملینی باشد که خانه داری مهمترین وظیفه او است! یا برای دوست داشتن و عشق ورزیدن دستگیر شود و حساب پس بدهد. زنان و دختران جوان نمی توانند منتظر چانه زنی برای تصویب قوانین قرون وسطایی ازدواج با فرزند خوانده و از این قبیل اراجیف متعفن بورژواهای معمم و مکلا باشند.

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تصمیم دارد با خواست و مطالبات صریح و بدون مماسات با حکام رژیم، در میدان بماند و به پیش برود. پیشرویهای امروزی چشم به پیروزی دوخته است. سازشی در کار نیست. جنبش برابری طلبی در ایران و بویژه برابری کامل زن و مرد، سرانجام از میان جار و جنجال های سبز و بنفش و اسلاميون سوپر مرتجع و ضد زن و زوزه ی مصلحین سیاست گام به گام و نصایح "هایهوا نکنید" آن ها، راه

گرمی داشت جنبش برابری طلبی زن و مرد در جهان و رهبرانی چون کلارازتکین، رزالوکزامبورک و دیگر رهبران این جنبش، بار دیگر و در هشت مارس امسال، زنان و مردان مبارز و آزادیخواه در سراسر جهان را به مبارزه برای خاتمه دادن به خشونت و نابرابری و پایان دادن به ستم جنسی به میدان می طلبد.

در ایران بیش از سه دهه است، مبارزه زنان با رژیم آپارتاید جنسی در جریان است. زنان و دختران جوان در یک جنگ نابرابر، جمهوری اسلامی ضد زن را به مصاف طلبیده، قوانینش را زیر پا نهاده و گام به گام رژیم را به عقب نشینی واداشته اند. اکنون در صفوف بورژوازی ایران در حاکمیت و در اپوزیسیون، تشنیت و استیصال در مقابل مقاومت زنان و مردان برابری طلب، به وضوح دیده می شود. سران دولت، بارها به ناکامی قوانین و سیاستهای ضد زن خود اعتراف کرده اند. همزمان اسلاميون ارتدکس به غرولند افتاده و بر قوانین و شریعت ضد زن و ضد انسان، پافشاری می کنند.

در این جدال برابری طلبی علیه آپارتاید جنسی، جریانات به ظاهر طرفدار حقوق زن و وفادار به حفظ نظام، مذبحخانه تلاش کرده اند که جنبش برابری طلبی زنان را مهار کرده و به بیراهه بکشند. زمانی تحت نام و شعار "تغییر برای برابری" و با دريوزگی در آستان آیت الله هایی چون رفسنجانی و صائمی، و امروز با شعار فریبنده دیگری به نام "تغییر وضعیت زنان از طریق منشور حقوق شهروندی روحانی"، زنان را به آرامش و حرکت گام به گام، تشویق می کنند.

همچنین، بخش وسیعی از اپوزیسیون در خارج کشور وابسته به جنبش سبز و اصلاح طلب، اولویت مردم ایران را نه در تامین خواسته های رفاهی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه، بلکه در سازش روحانی با غرب و سرمایه گذاری و روابط خارجی می دانند. این خادمان جمهوری اسلامی می خواهند بر چشم مردم در مقابل اعدام حداقل روزی ده نفر، آپارتاید جنسی، فقر و تن فروشی و بالا رفتن آمار سقط جنین و اعتیاد و فحشا، خاک بپاشند. چرا که از نظر آنها باید از "هایهوا" پرهیز کرد تا دولت روحانی بر مشکلاتش فائق آید، "ابروی میهن" محفوظ بماند و جمهوری اسلامی توانایی بیشتر سرکوب مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه میلیونها کارگر و زن و جوان را حفظ کند. اما هیچکدام از

زنده باد جنبش برابری طلبی زن و مرد

۸ مارس روز آزادی و برابری

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
www.hekmatist.com



دختره نسیم آزادی

او نسل بعد از انقلابه. اما نه از نسل سوخته ها یا از دست رفته ها. او نه فقط آرزوها، بلکه نمونه ی عملی زندگی ای را که نسل خودش میخوان، نمایندگی می کنه. او حرفی نزده، شاید چیزی هم ننوشته یا نخونده، اما معنی زندگی را بهتر از همه فهمیده. او می خواهد زندگی کند. و انتخابش را کرده.

تصویری که دختر جوان از زندگی به ما نشان می داد، صف می بستند و به نشانه ی احترام، کلاه از سر بر می داشتند و تعظیم می کردند. این حداقل جواب به این آزادی و زیبایی کم نظیر بود. این اتفاق نیفتاد. شاید در دل همه ی اون انسان ها چنین احترامی برانگیخته بود و جسارت ابرازشو نداشتن. چه حیف! دختره رفت و من از راه بسیار دور دستش را می بوسم.

نشریه حزب حکمتیست
سردبیر آذر مدرسی

حکمتیست
هفتگی

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

www.hekmatist.com

مکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.
مکمتیست را بفهوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

قدم زدن رلاکس و آزادانه ی دختر با گردن افراشته در خیابانهای تهران، زیباترین فیلم زندگی و زیباترین تابلوی نقاشی ای بود که در همه ی این سالها دیده بودم و پر معناترینش. چقدر دوست داشتنی است. اگر ندیدید در میدیای مجازی به دیدنش بروید، اگر دیدید باز و باز هم نگاش کنید!

پیش خود فکر کردم که جا داشت، عابری اون خیابون و یا مغازه دارانش در مقابل زیبایی

زنده باد انقلاب کارگری